

## تامس کروکس

فرانکو براردی (بیفو)

ترجمه‌ی سامی آل‌مهدی

وقتی نخستین بار از کنش انتحاری تامس کروکس در شهر باتلر پنسیلوانیا باخبر شدم، جستاری ویدیویی به ذهنم آمد. مکانیک سیالات<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) گالا هراندز درباره‌ی یک اینسِل<sup>۲</sup> و کاربر پلتفرم ردیت<sup>۳</sup> با نام مستعار «آنارش‌یست نفرت‌انگیز»<sup>۴</sup> است که در سال ۲۰۱۸ یادداشت خودکشی مرموزی روی این پلتفرم از خود به جای می‌گذارد. فیلم هراندز به درک آنچه درباره‌ی کروکس نمی‌فهمیم کمک می‌کند، جوان بیست‌ساله‌ای که درباره‌اش هیچ نمی‌دانیم چون چیزی برای دانستن وجود ندارد.

کروکس، جوانی انتحاری که برای تیراندازی به داندل ترامپ از پشت‌بام بالا رفت، قهرمان این درام آمریکایی است. وقتی به دورنمای جامعه‌ی آمریکا فکر می‌کنم که امروزه مبتلا به تشنج روان‌پریشانه‌ی وخیمی است، سوژکتیویته‌ی «اینسِل» جوان کذایی به ذهنم می‌آید. جوانی ملبس به لباس نظامی خاکستری که ناگهان روی پشت‌بام یک انبار ظاهر می‌شود، همان شب‌چی است که گالا هراندز در فیلمش به دنبال آن می‌گردد. نه ترامپ، نه بایدن، نه هریس، نه جماعتی که پرشور درباره‌ی مسیح نژادپرستان که گلوله‌ها را جاخالی می‌دهد و مُشت هوا می‌کند حرف می‌زنند، نه دموکرات‌هایی که مزورانه نگران هبوط آمریکا در مگاکای درک‌ناپذیرند و در آن‌واحد نسل‌کشی غزه را تأمین مالی و ابزاری می‌کنند. آن‌ها سوژه‌ی این داستان نیستند. سوژه و قهرمان داستان کروکس است.

1. *La mecánica de los fluidos* by Gala Hernández

۲. واژه‌ی اینسِل (incel) مخفف «عزب ناخواسته» (involuntary celibate) است. اینسِل‌ها اعضای یک خرده‌فرهنگ آنلاین هستند که خود را کسانی تعریف می‌کنند که با وجود تمایل به شریک احساسی یا جنسی قادر به پیدا کردن آن نیستند، حالتی که آنان به آن «اینسِل بودن» می‌گویند. مشخصه‌ی مباحثات در فروم‌های اینسِل‌ها غالباً وجود خشم، مردم‌گریزی، ناراحتی و تنفر از خود، زن‌ستیزی، نژادپرستی و داشتن حس استحقاق نسبت به سکس است و در آن از خشونت نسبت به کسانی که از نظر جنسی فعال‌اند، حمایت می‌شود. این پدیده‌ی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی پیچیده و معاصر است، و شناخت زوایای آن لازم است و نیاز به بررسی بیشتری دارد. - م.

3. Reddit

4. Anathematic Anarchist

مکانیک سیالات فیلمی تلخ و عالی است که عمیقاً درباره‌ی حساسیتِ نسلی تأمل می‌کند که می‌توان «نسل ارتباطی» نامید. فیلم با پیامی از آنارشیست نفرت‌انگیز آغاز می‌شود که انتحار خودش را اعلام می‌کند. اما او بعد از این پیام از زندگی مجازی محو می‌شود.

فلیکس گتاری بسیار پیش از آنکه ماشین دیجیتال به دینامیک ذهن رسوخ کند از ناخودآگاه ماشینی<sup>۵</sup> حرف زده بود، اما امروزه ناخودآگاه ارتباطی با نظمِ رابطِ نمادین<sup>۶</sup> سازگار نیست.<sup>۷</sup> به عبارت دیگر، دیجیتال زبان را ثبت و ضبط کرده، اما زبانِ دیجیتال نمی‌تواند به دینامیک عاطفه، میل و دوستی دسترسی پیدا کند.

ناخودآگاهِ محبوس در قفسِ دیجیتالِ هیولاها را بیدار می‌کند: زبانِ نو ترکیبِ تکنولوژیِ دیجیتال با سیالیت ناخودآگاه همساز نیست. کارکردِ فعالیتِ ذهن در بُعدِ ارتباطی ملزم به پیروی از قواعدی است که با همدلی، دوستی، همبستگی، لذت و رنج همخوان نیستند، چون این قواعد فقط کارکردِ قابل‌بهره‌برداری را می‌فهمند.

اگر ذهن با توسل به تقابل‌های دوتایی<sup>۸</sup> کار کند، دوستی دست‌نیافتنی می‌شود. قالب ارتباطی ذهن جلوی برقراری ارتباط با دیگر اذهان را می‌گیرد و از ترکیبِ کاربردیِ آن حداکثر بهره را می‌برد. این نارسایی التزامی نوعی تنهایی فراگیر و موجی از افسردگی ایجاد می‌کند.

## ترامپ‌درمانی

درمانی که ترامپ برای افسردگی فراگیر در آمریکا پیشنهاد می‌دهد، درست شبیه درمان پیشنهادی هیتلر برای افسردگی گسترده در جامعه‌ی آلمانی یک قرن پیش است. این افسردگی که با داروهای اعتیادآور خوددرمانی می‌شود، پس‌زمینه‌ی روایی سوگنامه‌ی پشت‌کوهی<sup>۹</sup> (خاطرات ج. د. ونس<sup>۱۰</sup>، نامزد معاون رئیس جمهوری ترامپ) است. اگر ترامپ نمود طرفداران متمم دوم قانون اساسی آمریکاست (نژادپرستی مسلحانه)، ونس نمود فنتانیلی‌ها<sup>۱۱</sup> (همه‌گیری افسردگی) است.

همه نتایج درمان پیشنهادی هیتلر را به یاد دارند و براین اساس می‌توان سوگیری درمان پیشنهادی ترامپ را حدس زد؛ سمت‌وسوی آن همان است، اما دوره‌ی زمانی‌اش فرق دارد. هیتلر انرژی‌های فشرده‌ی مردم آلمان را به سوی

<sup>5</sup>. l'inconscient machinique

<sup>6</sup>. conjunctive symbolic order

<sup>7</sup>. Félix Guattari, *The Machinic Unconscious: Essays in Schizoanalysis*, trans. Taylor Adkins (Semiotext(e), 2010).

<sup>8</sup>. binary oppositions

<sup>9</sup>. *Hillybilly Elegy* by J. D. Vance

<sup>10</sup>. J. D. Vance

<sup>11</sup>. فنتانیل (Fentanyl) یک شبه‌مرفین بسیار قوی است و برای بی‌هوشی استفاده می‌شود. قدرت آن ۵۰ برابر هروئین است، و امروزه سوء‌مصرفت آن در کشورهایی مانند آمریکا و کانادا به سرعت در حال شیوع است. - م.

نابودی بلاگردان‌های درون جامعه‌ی اروپایی معطوف کرد: یهودیان، رومانیایی‌ها، کمونیست‌ها، کوییرها. بلاگردان ترامپ و ونس (بیگانه‌ی جنایت‌کار) دیریاقت‌تر و مرموزتر است. به قول حزب حاکم کنونی، علاج پیشنهادی آن‌ها می‌تواند خشونت نسل‌کشانه‌ای در سطح سیاره‌ای راه بیندازد.

## انبوه اینسل‌ها

کتاب مکانیک سیالات تلاشی برای بررسی سویی‌ی مبهم فرهنگی انبوه اینسل‌هاست، که از ذخایر انتخاباتی ترامپ محسوب می‌شوند. راوی ویدیو (با صدای هرناوندز) از جست‌وجوی برای یافتن آنارشیست نفرت‌انگیز می‌گوید. آنارشیست نفرت‌انگیز در سال ۲۰۱۷ در ردیت گروهی ساخت به‌نام برینسل‌ها<sup>۱۲</sup> که در اندک‌زمانی هفده هزار عضو جذب کرد. هرناوندز با اینکه هرگز آنارشیست نفرت‌انگیز را ملاقات نکرده بود، اما آخرین پیام او که در آن اعلام انتحار کرد، هرناوندز را تحت‌تأثیر قرار داد:

هفته‌هاست می‌خوام خودکشی کنم

هیشکی نمی‌تونه نجاتم بده

خانواده‌ام کمک نمی‌کنه و بیمارستان هم تخمش نیست.

و من هم از کمک به خودم عاجزم.

دلیلش هم فرهنگ آمریکاییه که آدمایی مثل من رو زباله می‌بینه

دست‌های آمریکا به خون هزاران نفر مثل من آغشته است...

تنها آرزوم اینه که شهید بشم.

آنارشیست نفرت‌انگیز این پیام را فرستاد و بعد ناپدید شد.

در جست‌وجوی او، هرناوندز از پیچاپیچ بی‌انتهای وجودی نصفه‌ونیمه جرئت می‌کند و وارد جهان آنلاین انزوای جنسی معاصر، یعنی «مردستان»<sup>۱۳</sup>، می‌شود: جهانی اشباع از کمروبی آغشته به پرخاشگری، فردگرایی تعالی‌یافته، انزجار از زنان و، مهم‌تر از همه، رنجی خشم‌آگین.

---

<sup>۱۲</sup>. برینسل (braincel) واژه‌ای جعلی مرکب از واژه‌های incel و brain است که دقیقاً مانند brain cell به معنای «سلول مغزی» تلفظ می‌شود. - م.  
<sup>۱۳</sup>. مردستان یا مردکره (Manosphere) مجموعه‌ای از وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها و انجمن‌های آنلاین است که خصومت با زنان و زن‌ستیزی اغراق‌آمیز را ترویج می‌کنند. مردستان از نظر سیاسی با ال‌ترایت و راست افراطی مرتبط است، بسیاری از اعضای آن را اینسل‌ها تشکیل می‌دهند. - م.

در این چشم‌انداز آنلاین، مردانی خجالتی یا پرخاشگر ریشو یا بی‌مو را می‌بینیم که تصورشان از جهانی بدون زنان را ابراز می‌کنند. بسیاری از آن‌ها از خودشان در ماشین‌ها فیلم می‌گیرند، و برخی در اتاق خواب‌های دوران بلوغشان که دیوارهایش پوشیده از پوستر است. همه‌شان هر سه کلمه یک بار می‌گویند «هاکینگ»<sup>۱۴</sup>.

هرناندز سپس به جهان تیندر<sup>۱۵</sup> وارد می‌شود که تسهیل‌گر روزانه بیست‌وشش میلیون قرار ملاقات است. این جهان متشکل از جان‌هایی است که در برهوت یکدیگر را می‌جویند، برهوتی که مرکزش ساختمانی در سیلیکون ولی است و پایانه‌هایش در همه‌ی محله‌های جهان موجود است. آدم‌ها براساس الگوریتمی که جذابیت جنسی را ارزش‌گذاری می‌کند، به دنبال شریک و همدم جنسی می‌گردند.

بازار بدن‌های گاییدنی یا نگاییدنی خیلی‌وقت پیش در سال ۲۰۰۴ آغاز به کار کرد، وقتی که فیسبوک مشخصاً به قصد همین بازار متولد شد. با این حال صاحب تیندر به ما اطمینان می‌دهد که تیندر ازدواج‌های بسیاری را تسهیل کرده است.

## نارسیس انتحاری

مأمورانی که درباره‌ی تیراندازی به ترامپ تحقیق می‌کنند، کروکس را چنین توصیف می‌کنند:

یک گوشه‌گیر باهوش و بی‌آزار ... قصد او بیش از آنکه ریشه‌ای سیاسی داشته باشد، بیشتر متوجه حمله به نزدیک‌ترین هدف با بالاترین مقام بوده ... کروکس در ظاهر شبیه بسیاری از مردان جوانی است که در سال‌های اخیر با تفنگ‌های جنگی قدرتمندشان در سرتاسر ایالات متحده هرج و مرج به پا کرده‌اند. او دوستان نزدیک اندکی داشت که اغلب با آن‌ها برای تیراندازی به میدان تیر محله‌شان می‌رفت، و نشان نمی‌داد باورهای متعصبانه‌ای دارد که می‌تواند به یک قتل با انگیزه‌های سیاسی منجر شود ... جولیت کایم<sup>۱۶</sup> مشاور سابق وزیر امنیت داخلی و تحلیل‌گر امنیت ملی سی‌ان‌ان گفت: «این یکی از آن موقعیت‌هاست که هرچه بیشتر می‌دانیم، کم‌تر به علت واقعی آن پی می‌بریم.»<sup>۱۷</sup>

<sup>14</sup>. fucking

<sup>15</sup>. تیندر (Tinder) یکی از مشهورترین پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی برای زوج‌یابی است. - م.

<sup>16</sup>. Juliette Kayyem

<sup>17</sup>. Zachary Cohen et al., "Investigators Piece Together a Puzzling Portrait of the Shooter Who Sought to Assassinate Trump," CNN, July 19, 2024.

هرچه اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی تامس کسب می‌کنیم، کم‌تر از چرایی عمل او مطلع می‌شویم. با توجه به آنچه خبرنگاران دریافته‌اند، تامس چندان علقه‌ای به موضع سیاسی ترامپ نداشت؛ می‌گویند به همین منوال می‌توانسته به بایدن یا هر شخص مشهور دیگری شلیک کند تا برایش نامی دست‌وپا شود.

نارسیس انتحاری هیچ علقه‌ای به محتوای سیاسی کنش خود ندارد. درعوض کنش او خصلتی فراسیاسی<sup>۱۸</sup> یا متافیزیکی دارد. ژست او - قصد کشتن و مهم‌تر از آن کشته‌شدن - باید تمام جهان را محو کند. کروکس پرولتر ابرماشین دیجیتال است، آن‌سوی خوش‌بینی تکنولوژیک. او یک کارگر شناختی بی‌ثبات‌کار است که برای چندرغاز نرم‌افزار می‌نویسد. او مصرف‌کننده‌ی وسواسی محرک‌های الکترونیک و هدف کارزارهای تبلیغاتی شرکت‌های با تکنولوژی سطح بالاست. او قربانی بمباران اطلاعاتی-عصبی<sup>۱۹</sup> است. یک قهرمان انتحاری تنها به فلاکت خود علقه دارد، نوعی فلاکت که رتوریک سیاسی جریان اصلی از درک آن عاجز است.

### قربانیان و جلادان رایش آینده

از وقتی فیلم *فیل*<sup>۲۰</sup> از گاس ون سنت را دیدم، فیگور قاتل خردسال مسحورم کرده. این فیلم روایت‌گر داستان دو پسر است که در سال ۱۹۹۹، مسلح به مسلسل، به مدرسه‌شان در کولومباین در کلرادو<sup>۲۱</sup> رفتند، به همکلاسی‌هایشان شلیک کردند و پانزده نفر را کشتند، و این آغاز کشتاری بی‌پایان بود.

معتقدم این پدیده کلید فهم انفجار درونی و روان‌پریشانه‌ی کشوری وحشت‌زده است که با سرعتی فزاینده در آتش می‌سوزد و متأسفانه آتشش دامن بقیه‌ی جهان را نیز خواهد گرفت.

واژه‌ی «جامعه‌ستیز»<sup>۲۲</sup> زمانی معرف گروهی از بیماران روانی بود که نه می‌توانستند آدم‌های دیگر را درک کنند، نه به آن‌ها وقعی می‌گذاشتند. متأسفانه باید بگویم این اصطلاح دیگر برای تعریف دسته‌ای مشخص از بیماران روانی قابل‌استفاده نیست، زیرا در عصر فاصله‌گذاری دیجیتال، جامعه‌ستیزی بدل به خصلتی عام شده که فاصله‌گذاری ویروسی نیز تقویتش می‌کند.

---

18. metapolitical

19. info-neural

20. *Elephant* by Gus Van Sant

21. Columbine, Colorado

22. sociopath

صنعت رمزی-پهپادی<sup>۲۳</sup> در خدمت جامعه‌ی «جامعه‌ستیز» است. برای مثال: پهپادها و ابزار رمزنگاری اجازه می‌دهند کسی را با کیلومترها فاصله بکشیم، مانند کاری که سربازان اسرائیلی می‌کنند. همانطور که در منابع متعدد ذکر شده، بسیاری از این اپراتورها این کار را صرفاً برای «خوش‌گذرانی» یا «رفع ملال» انجام می‌دهند.<sup>۲۴</sup> گونتر آندرس در سال ۱۹۶۲ نوشت:

تکنیکی که رایش سوم در سطحی گسترده پایه گذاشت هنوز «تکنولوژیک-تمامیت‌خواه»<sup>۲۵</sup> نیست. شب‌دراز است. وحشت‌های پادشاهی آینده با فاصله‌ی زیاد از وحشت‌های دیروز پیشی می‌گیرند که در ترازوی قیاس به تئورهای تجربی مهجور می‌مانند، به تمرین‌نهایی<sup>۲۶</sup> تمامیت‌خواهی که ملبس به ایدئولوژی‌ای احمقانه است.

و همچنین نوشت:

می‌توان انتظار داشت که وحشت‌های رایش آینده سایه‌ی بزرگی بر وحشت‌های رایش گذشته بیندازد ... بی‌شک روزی که فرزندان یا نوه‌هایمان غره از مکانیزاسیون متقابل<sup>۲۷</sup> بی‌نقص خود، از بلندای امپراتوری هزارساله‌شان به رایش دیروز می‌نگرند، به نظرشان صرفاً همچون آزمایشی کوچک خواهد آمد.<sup>۲۸</sup>

نوه‌های آندرس اکنون شاهد ظفر رایش سوم جدیدند که دیگر محدود به آلمان یا هیچ دولت دیگری نیست، بلکه در سرتاسر زمین می‌گسترده، مانند هیولایی چندسر که مسلح به دستگاه نسل‌کشی است. آندرس معتقد است پس از ۱۹۴۵ برای جهان یک داستان پریان جعلی تعریف کردند: نابودی آلمان نازی به‌هیچ‌وجه پایان وحشت نبود، بلکه صرفاً پایانی بود بر آغاز آن. اکنون هیولا دوباره سربرآورده، با ظاهری رنگارنگ و ابزاری به‌شدت قدرتمندتر. شکست‌ناپذیر. ابدی. هیتلر ملبس به پوشش‌های مختلف، همه‌جا وعده‌ی نسل‌کشی می‌دهد، همه‌جا نگهبانانی مسلح بر مرزها می‌گمارد، همه‌جا شکنجه می‌دهد و می‌کشد. غزه ادامه‌ی این گرایش است.

انتحار عقلانی‌ترین عمل نزد میلیاردها فرد محکوم به رنج است، اما انگیزه‌های غیرعقلانی عموماً جلوی آن‌ها را می‌گیرد: توهم فردایی که می‌تواند بهتر باشد، ترس از نیستی، امید به خدایی ناموجود که همه‌مان را نجات دهد.

23. crypto-dronic

24. "'I'm Bored, So I Shoot': How Israeli Troops Are Authorized to Shoot Palestinians Virtually at Will," Democracy Now!, July 12, 2024.

25. techno-totalitarian

26. تمرین‌نهایی یا تمرین بالباس (dress rehearsal) به آخرین تمرین پیش از نخستین اجرای رسمی تئاتر گویند که بازیگران کاملاً ملبس به لباس‌های نمایش آن را انجام می‌دهند. - م.

27. co-mechanization

28. Gunter Anders, *Noi: figli di Eichman* (Giuntina, 2007), 66.

برخی، مانند کروکس، انتحار با پلیس را برمی‌گزینند، و پلیس که به‌قصد ایجاد مزاحمت در عمل شما ناگهان وارد صحنه شده و به سر شما شلیک می‌کند، انتحار را تسهیل می‌کند.

ارتش انتحاری‌ها با سلاح‌های مرگبار، شیشه‌های مربا و بشکه‌بشکه شراب بد که در سرداب خانه‌شان انبار کرده‌اند، کم‌کم توسعه می‌یابد و مرگ را به سوپرمارکت‌ها، مدارس، کلیساها و خیابان‌ها می‌آورد. به احتمال زیاد، جنگ داخلی آمریکای بعدی ترامپ از این قرار خواهد بود.

تامس کروکس هم قربانی‌ای ناخواسته است، هم معاون جرم. نارسیس مفیستوفلس<sup>۲۹</sup> نیز می‌خواهد قاطی ماجرا شود و به مردک مهملباف نارنجی<sup>۳۰</sup>، فارغ از هرآنچه که می‌گوید، شلیک می‌کند. کیست که بداند قربانی کیست، جلاد کیست؟

جستاری که خواندید در ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴ در **e-flux** منتشر شده است:

<https://www.e-flux.com/notes/620641/thomas-crooks>

---

<sup>29</sup>. Narcissus Mephistopheles

<sup>۳۰</sup>. مردک نارنجی (orange guy) لقب دانلد ترامپ است. - م.